

گزارش تحقیقی (نسخه خلاصه)

گاریت پرایس و حمید حکیمی

برنامه آسیا - پاسیفیک | جولای ۲۰۱۹

# اتصال مجدد افغانستان آموزه‌هایی از تعامل فرامرزی



**CHATHAM  
HOUSE**

The Royal Institute of  
International Affairs

## خلاصه

- افغانستان طی قرن ها کانون اتصال - برای انتقال اموال، ادیان و فرهنگ ها - میان آسیا و اروپا و در بین خود آسیا بوده است. مرکزیت افغانستان در عصر استعمار از کاهش یافت، و درین اواخر، در نتیجه چهار دهه منازعه جایگاه افغانستان مرکزیت خود را از دست داده و منزوی گردیده است. افغانستان به منظور داشت اقتصاد پایدار، نیاز به اعاده جایگاه خود منحصبت کانون اتصال دارد. چندین پروژه بزرگ زیر ساخت ها، به پیمانه های متفاوت انکشافی، به منظور رسیدن به این هدف در جریان است - بالخصوص از طریق تبدیل کردن افغانستان به یک معبر میان کشور های که دارای مازاد انرژی در آسیای میانه هستند و کشور هائیکه در جنوب آسیا با کسر انرژی مواجه اند.
- درمیان همسایگان افغانستان این باور بوجود آمده است که منافع شان از طریق تعامل با افغانستان بگونه بهتر برآورده شده میتواند نه از طریق به حاشیه کشاندن این کشور. به هرصورت، یک نظریه شایع اتصال مجموع- صفر (zero-sum connectivity) وجود دارد جایی که همکاری - بطور مثال صادر کردن انرژی - به یک استقامت به نظر میرسد به قیمت همکاری با جانب دیگر تمام شود. علاوه برین، یکتعداد توجیهاات در رابطه به اینکه به همکاری - بطور مثال، اتکاء بر واردات از یک کشور خاص- منحصبت ایجاد آسیب پذیری برای کشور دریافت کننده واردات نگریسته شود، نه به مثابه یک ارتباط سود مند دو جانبه، نیز وجود دارد.
- این مقاله مثال هایی از تعاملات میان افغانستان و همسایگانش را به منظور اهداف ذیل بررسی مینماید:
  - مستند سازی پروسه هائیکه از طریق آن تعاملات صورت گرفته است تا تکرار بالقوه آنها ممکن گردد؛
  - نشان دادن این موضوع که تعامل با افغانستان میتواند منجر به فواید مثبت اقتصادی گردد؛ و
  - بررسی این امر که آیا این مثال های همکاری فرامرزی « محلی » دارای پیامد ها و آموزه هایی جهت براه انداختن پروژه های بیشتر و بزرگتر زیر بنایی میباشد یا خیر.
- در بسیاری موارد، پاسخ های ابتدایی (خواه از جانب حکومت یا باشندگان محلی) در رابطه به طرح های « جدید » فرامرزی با شک و تردید همراه بوده است. ولی زمانیکه این طرح های « جدید » عملی شده اند سبب ایجاد احساس مثبت در میان مقامات رسمی و مردم محل شده است. اهمیت "اثر نمایشی" به همان پیمانه که برای طرحهای های کوچک ارزشمند است به همان سطح برای پروژه های بزرگ نیز ارزش دارد.
- ایجاد ارتباطات مردم - با - مردم میتواند با از بین بردن روایت های وسیع یک نواخت راجع به افغانستان کمک نماید. بسیاری از طرح های فرامرزی، به افغان ها به مثابه مصرف کننده گان نگریسته اند تا اینکه یک آماج و یا حتی قربانی. گسترش منافع (دسترسى به انرژی یا اموال) در داخل افغانستان ممکن مالکیت بزرگتر محلی را برای پروژه های کلان تسهیل نماید به عوض اینکه با این کشور صرف منحصبت یک معبر معامله صورت گیرد.
- تمرکز روی فراهم آوردن خدمات صحتی و دسترسی به انرژی بویژه منحصبت یک وسیله جهت افزایش واستحکام تماس گرفتن با دولت افغانستان، مزایای خود را دارد. فراهم آوری این دو تسهیلات به گونه وسیع از لحاظ سیاسی غیر جانبدارانه بوده و برای مخالفین دولت مشکل است که در برابر آن استدلال نمایند. نیازمندی به خدمات صحتی زیاد است. در جنوب آسیا این احساس در حالت رشد و در آسیای میانه مجددا در حال ظهور است که تجارت انرژی نقطه ورودی به همکاری منطقوی میباشد.
- اتصال موفق بطور ساده در نتیجه ساخت زیر بنا های فیزیکی به وجود نمآید. بلکه این امر ضرورت به توازن قوانین و مقررات در موازات با رشد مهارت های مناسب جهت گسترش منافع دارد. مسایل نسبتا ساده لوجستیکی باعث ایجاد بسیاری از موانع موجود میگردد. بطور مثال، این امر آسان است که بازار های مرزی را توسعه داد البته در صورتیکه وسایط ترانسپورتی بتوانند داخل این بازار ها شوند و باز هم آسانتر اگر این وسایط بتوانند به امتداد مرز حرکت نمایند. ضرورت به مهر کردن پاسپورت در مرز یک مانع مهم فرا روی تعامل فرامرزی است: تجاران دائمی مکررا نیاز به تجدید پاسپورت های خود دارند، که این کار در افغانستان و بسیاری از کشورهای همسایه آن بسیار سخت و خسته کن کننده است.

## ۱. معرفی

شبهات های فرهنگی در آسیای جنوبی و آسیای میانه در امتداد سرحدات سیاسی، مشترک اند، ولی اکثر این سرحدات به جای اینکه منحنی نقطه وصل باشند به مثابه موانع عمل مینمایند. از لحاظ تاریخی، هر دو منطقه توسط دسته های سیاسی یکسان، با هم پیوند خورده اند: در گذشته بسیاری از مناطق آسیای جنوبی با هند بریتانیوی ضمیمه گردیده بودند در حالیکه جمهوریت های آسیای میانه بخشی از اتحاد جماهیر شوروی شده بودند. با بدست آوردن استقلال - اولی در سالهای ۱۹۴۰ و آخری در سالهای ۱۹۹۰ - هر یک از کشور های تازه تشکیل شده تلاش کرد تا خود را تعریف کرده و احساس هویت برای خویش بوجود آورد. این امر اکثر از طریق یک سلسله پروژه های ملت - سازی تعقیب گردید که مکرراً در بلند بردن سطح این احساس که هر کشور از همسایه اش متمایز است، کمک کرده است. آزادی نقل و انتقال (اموال، خدمات و مردم) به جای نورم به استثنا مبدل گردیده است، و مناطق سرحدی بطور عمومی از جمله اصطلاحات منفی پنداشته میشود.

افغانستان میان آسیای جنوبی و آسیای میانه قرار دارد - یا، به یک شکل بسیار مثبت، بخشی از هر دو را تشکیل میدهد. برای قرن ها، این کشور مرکز تجارت برای اموال، مردم و افکار بوده است. در عصر استعمار، سرحدات بین المللی بر آن تحمیل شد تا یک حایل میان امپراطوری روسیه و انگلیس ایجاد شود. چندین راه های آهن به اندازه های مختلف جانب سرحدات افغانستان ساخته شد مگر قبل از اینکه این سرحدات را عبور نمایند متوقف گردیدند. به اتصال به داخل افغانستان منحنی یک تهدید نگریسته میشد - یک وسیله تسهیل کننده تهاجم - به جای اینکه منحنی یک فرصت پنداشته شود.

بعد از دهه ها منازعه، در قرن بیست و یکم افغانستان خود را در حاشیه آسیای جنوبی و آسیای میانه می یافت - آشکارا، مناطقی باهم بطور ضعیف مدغم شده - همچنان همسایگانیش مانند چین و ایران. در رابطه به افغانستان این تمایل وجود دارد، ولی نه بدون توجه، که به این کشور به جای اینکه منحنی یک فرصت بالقوه به مثابه یک کانون برای اتصال و همکاری متقابلاً سودمند نگریسته شود، منحنی منبع بی ثباتی منطقوی نگریسته میشود. در نتیجه، افغانستان منحنی منبع بنیاد گرای اسلامی و همچنان یک اقتصاد وسیع غیر قانونی مواد مخدر که به هر یک از همسایگانیش آسیب میرساند و فساد اداری ای را که رسیده گی به آن کار ساده نیست تقویت مینماید، مقصر شناخته شده است. علاوه برین، در حالیکه ممکن یک دیدگاه متفاوت وجود داشته باشد - رویداد های افغانستان یا نشأت افکار و اموال از آن کشور بطور ساده مشکلات داخلی موجود را وخیم تر میسازد - که این دیدگاه نیز در ارائه عامل عمده خوش بینی ناکام می ماند.

عادی سازی نگرش خارجی از افغانستان - و از خود افغانها - یک جزء ضروری در رابطه به تشویق تعامل بسیار مثبت خارجی میباشد، که این امر به نوبه خود جهت تأسیس یک دولت پایدار در افغانستان یک پیش شرط است. در حالیکه ثبات سیاسی یک امر الزام آور کوتاه مدت است، در دراز مدت ایجاد پایداری اقتصادی وابسته بر شکل گیری افغانستان منحنی وسیله اتصال منطقوی، یا منحنی یک کانون میان آسیای مرکزی و آسیای جنوبی میباشد. این موضوع به نوبه خویش نشان میدهد که در رابطه به جایگاه مناطق سرحدی - که از طریق آن اتصال منطقوی صورت خواهد گرفت - باید تجدید نظر صورت گیرد.

از یکطرف، نژاد مشترک در امتداد سرحدات این کشور و طبیعت قابل نفوذ این سرحدات به افغانستان یک فرصت نسبتاً زیاد همبستگی با همسایگان اش را نسبت به سایر کشور های محاط به خشکه در منطقه فراهم میسازد. ولی با وجود این فرصت، تماس های رسمی مردم با مردم از اثر ضرورت به ویژه و سایر موانع بیروکراتیک ناکام گردیده و بواسطه نگرانی های واقعی یا مبالغه آمیز امنیتی تقویت گردیده است.

در شمال افغانستان، با وجود نژاد های مشترک، دولت های آسیای مرکزی گرایش نشان داده اند که مستقماً با قدرتمندان ازبک، ترکمن و تاجک افغانستان معامله کنند تا اینکه از امکاناتی که از طریق تعاملات از پائین به بالا با جوامع افغانی فراهم ساخته شده است، بهره برداری نمایند. پاکستان در بعضی مواقع مشترک بودن هویت پشتون را در امتداد مرزهای خویش با افغانستان به جای اینکه منحنی یک فرصت جهت گسترش ارتباطات مبنی بر خصوصیات مشترک فرهنگی و لسانی ببیند، آنرا به مثابه یک تهدید تلقی مینماید. به عین شکل، علاوه بر تهدیدی که از سوی قاچاقچیان مواد مخدر میان این دو کشور وجود دارد - موجودیت مذهب مشترک سنی در امتداد سرحد ایران و افغانستان یک تهدید متصوره اضافی را به تهران فراهم میآورد.

در برخی مسایل، همسایگان افغانستان از بی ثباتی این کشور منفعت جسته اند. بطور مثال، آب به گونه فزاینده یک موضوع منازعه آفرین در هریک از دولت های همسایه افغانستان میباشد. طبق معلومات انستیتوت منابع آبی جهان، از میان همسایگان افغانستان تنها تاجکستان و چین با "خطر جدی" آب مواجه نمیشاند. منحنی کشور واقع در قسمت علیای کنار رود خانه، تخریب زیر ساخت های آب در افغانستان طی دهه ها جنگ، به همسایگان این کشور که در قسمت پائین رودخانه واقع اند، مفید تمام شده است. بنابراین، باز سازی افغانستان - لزوماً در صورتیکه باشندگان زراعت پیشه آن از آبیاری بهره گیری نمایند - یک موضوع حساس میباشد.

به جز از ایران و چین، سایر همسایگان افغانستان طی سالهای اخیر در پروژه های ملت سازی سهیم بوده اند. درین عرصه اعتماد به خود در برخی موارد یک بخش عمده این پروژه ها را تشکیل میدهد. اما همکاری فرا مرزی به جای اینکه منحنی یک وسیله اعتماد سازی تلقی گردد، اکثر به مثابه عامل افزایش دهنده آسیب پذیری یک کشور در برابر هوا و هوس کشور دیگر نگریسته میشود. در آسیای مرکزی، برنامه های شریک سازی منفعت که شامل برق و آب میگردد بخاطر تقویت خود کفایی فسخ گردیده، گر چه این امر منتج به کمبود متناوب و پراکنده این هردو شده است. ولی فعلاً، با وجود مسایل متذکره، نشانه های وجود دارد که این رویکرد در سراسر آسیای مرکزی و جنوب آسیا در حال تغییر است. تجارت برق در حال حاضر میان هند، بنگلادیش، بوتان و نیپال صورت میگردد، در حالیکه به نظر میرسد جمهوریت های آسیای مرکزی که بطور مشابه به سیستم های مشتری که در دوران اتحاد جماهیر شوروی از آن فایده بدست میآوردند، بر میگرددند.

افغانستان خود را گیر مانده در یک تنگنا دریافته است. انکشاف اقتصادی افغانستان بناء بر تردید همسایگان نسبت به جهت سیاسی این کشور مسدود گردیده و منجر به کاهش سرمایه گذاری در اقتصاد این کشور شده است. هنوز هم عدم توانمندی افغانستان به انکشاف اقتصادی اش، به نوبه خود، نا امنی را تقویت مینماید. به هرصورت، اخیرا به نظر میرسد که بسیاری از همسایگان افغانستان این امر را درک کرده اند که امنیت این کشور، و ازینرو امنیت خودشان، از اتصال منطوقی بیشتر سود خواهد بردند، و یک فرصتی را برای افغانستان مساعد خواهد ساخت تا به جای اینکه این کشور مشکلی باشد که باید مدیریت گردد، موقف خود را منحیث مرکز یک منطقه وسیعتر دوباره باز یابد.

با وجود اینکه چالش های زیاد و گوناگون سد تغییر موقعیت افغانستان در سطح بزرگتر میگردد، این تحقیق چندین مثال از همکاری موفق و دو جانبه و پر منفعت فرامرزی میان افغانستان و همسایگان را مستند سازی میکند. قسمت بیشتر برق افغانستان از آسیای مرکزی وارد میگردد. فعلا افغانستان منحیث آخرین استفاده کننده برق، بالاخره باید بتواند که عوایدی را از انتقال برق آسیای مرکزی به جنوب آسیا که با کمبود انرژی مواجه اند، بدست آورد. به منظور پایداری، این امر نیاز به مالکیت محلی بطور خاص در داخل افغانستان دارد؛ فراهم کردن مقدار زیاد انرژی در داخل این کشور احتمالا یک فکتور مهم در توانمند سازی این کشور منحیث معبر انتقال انرژی میباشد. درین رابطه، این مقاله توسعه تجارت انرژی - که جدا از شبکه باشد - میان تاجکستان و ولایت همجوار بدخشان افغانستان را که یکی از فقیرترین ولایات درین کشور است، بررسی مینماید.

همچنین یکتعداد بازار های مرزی ایجاد گردیده است که به افغان ها این فرصت را مساعد ساخته تا با همسایگان خویش کار و بار و تجارت نمایند، یا اینکه کالاها و اموال را از مناطق دور دست وارد و صادر کنند، و بدینترتیب از تفاوت قیمت ها منفعت بدست آورند. مانند انرژی، در یک زمان افغانستان میتواند که به نقطه وصل کار و بار میان آسیای مرکزی و جنوبی مبدل گردد و به همین گونه عواید داخلی را تولید نماید. در حالیکه بازار های کاروبار مرزی در حال حاضر به پیمانۀ کوچک وجود دارند، ولی مانند یک سمبولیسم قوی نشان میدهد که افغانستان میتواند یک مصرف کننده یا صادر کننده کالاها و اموال قانونی باشد، و همچنان نشان میدهد که روایت منفی موجود (در مورد افغانستان و افغانها) در حال تغییر است.

از سوی دیگر این مقاله خلاصه تلاش های را که جهت توسعه یک رویکرد مشترک برای ایران و افغانستان به منظور مدیریت دریای هلمند و جهیل سیستان در جریان است، فراهم میسازد. جهیل سیستان طی دهه گذشته خشک گردیده و در نتیجه یک چالش عمده محیط زیستی را ایجاد کرده است. با در نظر داشت حساسیت ها، سیاست ها و موضوعات تاریخی که درین اکوسیستم خاص دخیل اند، اینجا نشانه هایی در رابطه به رسیدگی به سایر چالش های مشترک محیط زیستی وجود دارد. فرسایش گسترده محیط زیستی، که در نتیجه سالها جنگ بدتر شده است، یک مانع دیگری را در فراروی ایجاد یک اقتصاد پایدار در افغانستان قرار میدهد.

تخریب تسهیلات صحتی در داخل افغانستان در جریان سالها جنگ بسیاری از افغان ها را مجبور نموده تا برای تداوی به خارج ازین کشور سفر نمایند. در حالیکه این روایت مکررا مطرح میگردد که افغان ها بار و مسئولیتی را متوجه کشور های همسایه مینمایند، ولی سیاحان صحتی یک منبع درآمد را برای همین کشور ها فراهم میسازد. همچنان، این مقاله توسعه ارتباطات صحتی مشخص فرامرزی میان افغانستان و تاجکستان را نیز یاد داشت میکند.

## ۲. پیشنهادات

آگاهی از فرهنگ محلی و آگاهی فرهنگی در گُل، توقع شک و تردید ابتدایی و برنامه ریزی برای یک تعامل درازمدت با یک جغرافیای خاص، قواعد روشن برای اقدامات موفق را واثق مینماید؛ چنین اقدامات موفق میتوانند دارای هدف فرامرزی باشند یا خیر - درهرصورت قابل توجه اند. روشن ساختن این موضوع که برای یک تعامل دراز مدت برنامه ریزی گردیده است، ممکن برای تمویل کنندگان خارجی چالشزا باشد؛ به هرپیمانه که مودل مالکیت محلی موجود باشد به همان پیمانۀ بهتر خواهد بود. همچنان این کار به استخدام مردم محل نیز ارتباط میگردد.

برای اقدامات فرامرزی، ملزوم است تا با حکومت تماس و ارتباطات برقرار گردد - خواه حکومت مرکزی باشد یا محلی. در آسیای مرکزی و جنوبی ممکن در رابطه به انگیزه ای که در ورای هر تعامل فرامرزی قرار دارد نگرانی وجود داشته باشد و این نگرانی میتواند فقط از طریق آگاهی و حمایت حکومت بر طرف گردد. ساده گی یک امر کلیدی در تعامل در همه سطوح است. به هر پیمانۀ که رویکرد مغلق و پیچیده باشد، به همان پیمانۀ این تصور بزرگتر میباشد که ممکن درین موضوع انگیزه های مخفی و سری وجود داشته باشد.

به هر اندازه که پروژه محلی گردد، به همان سطح احساس و استعداد ذاتی مالکیت محلی بزرگتر میشود. به طور طبیعی، پروژه های بزرگ به سطح ملی و یا بین المللی به مستفید شوندگان محلی نیاز دارند. بطور مثال، اگر مردمانیکه در نزدیک لین های انتقال برق سکونت دارند به برق دسترسی نداشته باشند، نسبت به آنانیکه به برق دسترسی دارند، احساس اندک مالکیت خواهند کرد. چنین استدلالات در جنوب آسیا تکرار گردیده است: پتانسیل توانایی انرژی آبی در نیپال و گاز در بنگلادیش دست نخورده باقی مانده است زیرا چنین معلوم میشود که بازار موجود خارجی تلقی میگردد. هیچ کشوری علاقمند نیست قبل از برآورده شدن نیاز مندی های داخلی شان به یک کشور همسایه اش منابع فراهم سازد. لیکن، مثال انرژی پامیر حاکی ازینست که استهلاک کنندگان فقیر - یعنی مصرف کنندگان تنگدست - امکان دارد که ظاهرا یک بازار مناسب رشد را فراهم نماید: فراهم کردن انرژی به آنانیکه دسترسی به انرژی ندارند امکانات توسعه فرصت های اقتصادی را به میان میآورد.

در نظر گرفتن مردم محلی منحنی مصرف کنندگان نه به مثابه قربانیان امکان دارد که توانمند سازی را تحقق بخشد. در محیط های مختلف، افغانستان نشان داده اند که این توانمندی را دارند که بخاطر خدمات درمانی و برای تأمین برق پول بپردازند. بناءً اگر «حق» دسترسی به صحت و برق در جامعه تقویه گردد، این امر میتواند حوزه مسؤلیت افزایش یافته دولت را در رابطه به «قدرت نرم» تسهیل کند - به این معنی که سعی برای حکومت داری بهتر را تقویت می بخشد.

به اثر پذیرش رو به افزایش سود بدست آمده از تجارت فرامرزی برق در جنوب آسیا - و پذیرش جدید این امر در آسیای میانه - از انرژی میشود منحنی یک نقطه ورودی به سایر اشکال تبادلات فرامرزی یا مدیریت مواردی که در حال حاضر از لحاظ سیاسی بسیار حساس اند، مانند آب، استفاده شود.

مهم است که وضعیت کنونی مستفید شوندها را دست کم نگیریم، حتی اگر مستفید شوندها در یک حالت مطلوب قرار نداشته باشند. مثلا گروه های مافیا که در فراهم کردن دیزل برای جزئیات رو به دخیل اند با انواع انرژی پاکتر و صاف تر مخالفت میکنند؛ مافیای ترانسپورت با تجارت یکپارچه در سراسر سرحدات مخالفت مینمایند؛ قاچاقبران به طور عمومی با اتصال بهتر مخالف اند؛ زیرا این اتصال به حکومتداری بهتر زمینه را مساعد میسازد. چنین گروه ها ممکن از لحاظ سیاسی دارای نفوذ نیز باشند.

بدون در نظر داشت موفقیت آنان، انجمن ها - تنظیم نمودن گردهمایی ها - در رابطه به تماس های فرامرزی مردم با مردم مانند بازار ها در برابر نگرانی های فراگیر سیاسی یا امنیتی، خواه این نگرانی ها واقعی باشند یا مبالغه آمیز، آسیب پذیر باقی مینمانند. با عرض مثال؛ تا زمانیکه این چنین تضمین موجود باشد که بازار ها در اوقات معین باز گردند، مشکل خواهد بود که اعتماد و وابستگی واقعی و صادقانه فرامرزی را ایجاد کرد. از آنجائیکه مسدود شدن بازار به این معنا خواهد بود که محصولات مشخص باید از منابع بدیل خریداری گردند. علاوه برین، وابستگی و اعتماد میتواند منحنی آسیب پذیری تعبیر گردد، که این تعبیر بدون توجیه نیست، چنانچه موارد وجود دارند که در آن بازار ها مسدود گردیده اند و صادرات برق فرامرزی نیز قطع گردیده. لذا؛ برای اعتماد سازی زمان یک پیش شرط ضروری است، ولی زمان پدیده ایست که نمیتوان به آن جهت تسهیل مسایل سرعت بخشید.

## تجارت انرژی

فراهم کردن برق میتواند تأثیر قابل ملاحظه تحول آفرین، بزرگتر از آنچه در ابتدا پیش بینی شده بود، داشته باشد. در نیجه فراهم نمودن برق فرصت های بیشتر تعلیمی و پیشرفت های خدمات درمانی میتواند بدست آید. در عین حال، در مناطق سرد سیر، وقت و پولی که از جمع آوری یا خریداری چوب سوخت صرفه جویی میگردد میتواند بطور قابل ملاحظه ای رفاهیت اقتصادی را افزایش دهد، علاوه بر تأثیرات سودمند به طور مثال بر محیط زیست. عدم موجودیت برق میتواند به توضیح این امر که چرا بعضی جوامع فقیر اند، کمک نماید. بنابراین، امکان دارد که قابلیت بزرگتر پرداخت - بویژه با یک اندازه سبسایدی برای محلات بسیار فقیر - نسبت به آنچه توقع میرفت به وجود آید.

فراهم کردن برق میتواند تأثیر چشمگیری بر افغانستان داشته باشد. تعداد افغان هائیکه به اثر تنفس دود جان های خود را از دست میدهند نسبت به آنانیکه در جنگ از بین میروند بیشتر اند. ضرورت به چوب سوخت تأثیر منفی محیط زیستی داشته و در محلات فقیر باعث مصرف گزاف وقت یا پول میگردد. فراهم کردن روشنی وقت فامیل ها را تمهید میکند و اطفال را قادر به مطالعه کردن در فضای بهتر میسازد. خواه در داخل شبکه باشد یا خارج از آن، منفعت و بهره مندی از فراهم آوری برق احتمالا مهمتر از مصارف آن است.

## بازار های مرزی

ایجاد زیر بنا ها یک امر بسیار ضروریست ولی برای تسهیل اتصال بدون موانع نمیتواند به تنهایی کفایت کند. به « زیر بنای نرم » - خواه سرمایه بشری باشد یا چارچوب های قانونی - نیاز است تا به طور موازی توسعه داده شود. بخش های اداری نیز میتواند به منظور محدود کردن تأثیر طرح های « جدید » اتصال سعی نمایند.

بسیاری از موانع اتصال فرامرزی امور لوجستیکی است: مثلا نیاز به مهر کردن پاسپورت در مرزها (در کشور هائیکه در آن بدست آوردن پاسپورت جدید و تمهید نمودن پاسپورت مشکل است) یک مانع واضح و قابل شناسایی برای هردو یعنی تجار و مستهلکین است؛ نیاز به پائین کردن و بار کردن اموال بر وسایط مختلف به مصارف حمل و انتقال میافزاید. در حالیکه امکان دارد نگرانی های امنیتی (واقعی یا مبالغه آمیز) که وضعیت موجود را توجیه میکند وجود داشته باشد، اما تفکر خلافتانه و نوآوریها میتواند از (مانند اجازه دادن به اشکال دیگر شناسنامه که برای دسترسی به بازار های مرزی از آن استفاده شود) پالیسی های فراگیر رسمی احتراز نماید و در نتیجه به حل موانع برسد.

## اکوسیستم های فرامرزی

اکوسیستم های مشترک میتواند از لحاظ سیاسی بسیار متنازع فیه باشد، بطور خاص با در نظر داشت نگرانی ها در رابطه به موجودیت آب، و این امور میتواند که تنش های منطقوی را دامن زند. در عین حال فرسایش محیط زیست - منازعات داخلی را دامن زده و مانع تولید زراعتی میگردد. تلاش ها جهت تبدیل کردن این حلقه خبیثه به یک حلقه شریفه، گرچه چالشزاست، کار ارزشمندی است.

در رابطه به اکوسیستم هائیکه میان افغانستان و همسایگانش شریک اند، شواهد موجود که به اساس آن میشود تصامیم گرفته شود، ناچیز است. این امر فرصتی را برای یک میانجی و داور بی طرف و خارجی جهت گرد آوری شواهد مساعد میسازد. متناوباً، در صورتیکه ظرفیت در هر دو طرف نسبتاً مساوی باشد، میشود تیم های مشترکی جهت انجام تحقیقات علمی تشکیل گردد. هر پروسه مشترک میتواند که منحصیث یک اقدام اعتماد سازی میان مردم و سازمانها از کشورهای مختلف که روی امور مشابه کار میکنند، کمک نماید.

درعین زمان؛ مهم است خاطرنشان سازیم که ممکن نیست در هر صورت پیشرفت در چنین امور تضمین گردد چون این موارد در اصل - تا حد بیشتر - به سیاست های داخلی ای کشور هائیکه دخیل اند، وابسته باقی میماند. بنابراین، برنامه های دراز مدتی که رول و اهمیت هر یک از کشورهای هائی را که مورد سوال اند، نا دیده میگیرند نسبت به رویکرد های انعطاف پذیری که از دریچه های فرصت های سیاسی امتیاز میگیرند، کمتر مؤثر شمرده میشود.

## سیاحت صحی

این موضوع تا اندازه قابل تعجب است که کشورهای هند و پاکستان همراه با ایران در جلب توجه مریضان افغان در رقابت هستند. اما، این رقابت یک روایت مثبتی را در رابطه به تعامل با افغانستان فراهم میسازد. با در نظر داشت کمبود مراقبت خدمات صحی در افغانستان برای یک مدت قابل پیشبینی در آینده، در یک جهان آیدیالی، ایران، پاکستان و هند (در پهلوی افغانستان) میتوانند جهت بررسی این امر که در فراهم آوری کدام بخش خدمات صحی نسبت به یکدیگر امتیاز مقایسوی دارند، وارد گفتگو شوند.

بهبتر کردن دسترسی به خدمات صحی در افغانستان باید به اساس اهمیت خود این موضوع در اولویت قرار داشته باشد، ولی این امر وسیله افزایش ثبات در کشور را نیز فراهم میسازد. برای آنائیکه نیازمند خدمات صحی اند، مصارف شامل آن - از نقطه نظر هردو یعنی پول و وقت - میتواند فامیل ها را به فقر بکشاند، که به نوبه خود بطور بالقوه خطر بنیاد گرایی را افزایش میدهد.

در عین وقت، حکومتداری ضعیف در داخل افغانستان منحصیث یک پیام تقوییتی نیرومند برای فعالین غیر دولتی، به نظر میرسد. گسترش حوزه مسؤلیت حکومتداری یک امر مهم برای دولت افغانستان است. با وجود این، فراهم کردن خدمات عامه یک موضوع متنازع فیه در بسیاری از بخش های حکومت است. خدمات صحی (با چند مورد استثنا، بویژه موضوع واکسیناسیون به منظور جلوگیری از انتقال فلج اطفال) یکی از ساحاتی است که از لحاظ سیاسی بسیار کم مورد منازعه قرار دارد. به هر اقدام همسایگان افغانستان به منظور حمایت از فراهم آوری خدمات صحی برای افغانها باید به نظر مثبت نگریسته شود.

# تفکر مستقل از ۱۹۲۰ بدینسو



UK Government



AGA KHAN FOUNDATION

چتم هاوس، انستیتیوت شاهی امور بین المللی، یک انستیتیوت پیشتاز در سطح جهان در مورد پالیسی است که در لندن موقعیت دارد. ماموریت ما منحیث یک بنیاد مستقل این است تا به حکومت ها و جوامع جهت ساختن یک جهانی که از لحاظ امنیت، رفاه و عدالت پایدار باشد، کمک نمائیم.

همه حقوق محفوظ است. هیچ بخشی ازین نشریه بدون اجازه تحریری قبلی از صاحب امتیاز آن نمیتواند که به هیچ شکلی یا وسیله، الکترونیکی یا میخانیکی به شمول فوتوکاپی، ثبت یا ذخیره معلومات یا سیستم بازیابی، دوباره تولید یا انتقال داده شود. لطفا هر درخواست را به ناشرین راجع سازید.

چتم هاوس نظریات خود را مطرح یا ارایه نمیکند. نظریات که درین نشریه ابراز گردیده مسؤلیت نویسنده یا نویسنده گان میباشد.

حق طبع @ انستیتیوت شاهی امور بین المللی، ۹۱۰۲

تصویر پشتی: بازار اشکاشم؛ واقع در مرز افغانستان و تاجکستان؛ ماه جون سال ۲۰۱۲

امتیاز عکس: © Stephen Lioy

۹۷۸ ۱ ۷۸۴۱۳ ۳۴۷ ۴ ISBN

این نشریه روی کاغذیکه از جانب FSC تصدیق گردیده چاپ شده است.



تایپ: سوپ باکس Soapbox, [www.soapbox.co.uk](http://www.soapbox.co.uk)

انستیتیوت شاهی امور بین المللی

چتم هاوس

10 St James's Square, London SW1Y 4LE

T +44 (0)20 7957 5710 F +44 (0)20 7957 5700

[www.chathamhouse.org](http://www.chathamhouse.org) [contact@chathamhouse.org](mailto:contact@chathamhouse.org)

Charity Registration Number: 208223